بسم الله الرحمن الرحیم

تقریر درس خارج اصول فقه آیت‌الله اراکی دام‌ظله

سال تحصیلی ۱۴۰۵ _ ۱۴۰۶

مقرر	**حجت‌الاسلام محمدعلی زحمت‌کش**	جلسه	۲۷	تاریخ	۱۴۰۵/۰۸/۳۰
عنوان ۱	**اصول عملیه**				
عنوان ۲	**اصل برائت**				
عنوان ۳	**برائت شرعی**				
عنوان ۴	**بررسی ادلهٔ برائت شرعیه**				
عنوان ۵	**نوع اول از ادله: آیات قرآن کریم**				
عنوان ۶	**استدلال به آیهٔ شریفهٔ ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا﴾**				

«الْحَمْدُ لِلَّه رَبّ الْعالَمین وَصَلّی اللّهُ عَلَی سَیّدنَا مُحَمَّدٍ وَآله الطَیّبینَ الطَّاهرین وَلَعنةُ الله عَلَی أعدائهم إلی قیام یَوم الدّین»

چکیدهٔ درس

این جلسه در بخش نخست با عرض تسلیت به مناسبت رحلت فقیهٔ بزرگوار، حضرت آیت‌الله العظمی وحید خراسانی رحمه‌الله و بیان خاطراتی از دیدارها و سفارش‌های ایشان دربارهٔ تقریب مذاهب، ضرورت ملاطفت با اهل سنت، ترویج ایجابی معارف اهل بیت علیهم‌السلام و وجوب حفظ نظام آغاز گردید. در بخش دوم، بحث اصول فقه در ادامهٔ بررسی استدلال به آیهٔ شریفهٔ ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا﴾ برای اثبات برائت شرعیه پیگیری شد. پس از جمع‌بندی بحث عقد مستثنی‌منه مبنی بر اینکه «تکلیف» به معنای حمل بر مشقت و ناظر به قدرت و طاقت است، بحث وارد بررسی عقد مستثنی (﴿إِلَّا مَا آتَاهَا﴾) شد.

در تحلیل عقد مستثنی، ابتدا صله یعنی «آتَاهَا» مورد بررسی قرار گرفت و دو احتمال «ایتاء تکوینی» (اقدار و تمکین) و «ایتاء تشریعی» (اعلام و بیان) مطرح گشت. برای اثبات اینکه مراد از ایتاء در آیه، ایتاء تکوینی است، چهار شاهد اقامه شد. شاهد نخست سیاق آیه است که با تعابیری همچون «ذُو سَعَةٍ» و «قُدِرَ عَلَيْهِ» ناظر به تمکن تکوینی است؛ در همین راستا، نکتهٔ لغوی دقیقی پیرامون تفاوت معنای «قدر» به تنهایی (اندازه‌گیری)، «قدر له» (اندازه‌گیری به نفع شخص) و «قدر علیه» (تنگی و ضیق) تبیین گردید. شاهد دوم، روایت صحیحهٔ محمدبن‌سنان از امام کاظم علیه‌السلام است که حضرت در بیان معنای «قوام» در انفاق، به این آیه در مقام بیان طاقت تکوینی استشهاد فرموده‌اند. شاهد سوم، اتفاق مفسران بر تفسیر ایتاء

به تمکین، و شاهد چهارم، هماهنگی آن با معنای تکوینی مشقت در عقد مستثنی‌منه است. در نهایت نتیجه گرفته شد که چون ایتاء در آیه تکوینی است، این آیه ارتباطی با بحث برائت شرعیه ندارد.

***

تسلیت و ذکر خاطراتی از آیت‌الله وحید خراسانی رحمه‌الله

رحلت فقیهٔ بزرگوار، حضرت آیت‌الله العظمی وحید خراسانی رحمه‌الله، به هر حال ضایعهٔ بسیار بزرگی برای حوزهٔ علمیه و جهان تشیع بود. این ضایعه را خدمت حضرت ولی‌عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف تسلیت عرض می‌کنیم و از خداوند متعال مسئلت داریم جایگاه بلند این مرد بزرگ را عالی‌تر کند و با محمد و آل محمد علیهم‌السلام محشور کند.

مرد بیداری بود مرحوم آقای وحید رضوان‌الله‌تعالی‌علیه. ما آن اوائلی که مأموریت پیدا کردیم برای مجمع تقریب، با اینکه از ایشان شایع شده بود که ایشان با تقریب مخالف است و از این حرف‌ها، رفتیم خدمتشون. این آقای آقا مصطفی هم با من بود. اولاً تا ایشان را دید، گفت که: «عجب! ایشان چه شباهتی با مرحوم پدر شما دارد»؛ چون ایشان با مرحوم ابوی ما انس زیادی داشتند. بعد همهٔ مطالب را آقای آقا مصطفی یادداشت کردند، مطالب آن جلسه را و مطالب بسیار مهمی بود.

اولاً مثل اینکه متوجه شده بودند که مدتی بوده ما دنبال این بودیم که خدمتشون برسیم، موفق نشدیم؛ گفتند که: «آقا اینجا خانهٔ شماست، هر وقت می‌خواهید بیایید». یک اظهار محبتی در این حد و بالاتر از این حد فرمودند. بعد در رابطهٔ با تقریب فرمودند که: «بسیار مبارک است این مأموریتی که مقام معظم رهبری به شما داده‌اند. من در خدمت شما هستم. همین الان شما برید مشهد ـ در آغاز مأموریت ـ و به نیابت از حضرت موسی‌بن‌جعفر علیه‌السلام و حضرت معصومه علیهاالسلام زیارت کنید حضرت رضا علیه‌السلام را و به حضرت رضا علیه‌السلام عرض کنید من از طرف شما این مأموریت را بر عهده می‌گیرم». بعد تأکیداتی فرمودند. فرمودند که: «ما باید با اهل سنت با همان روشی که ائمهٔ اطهار علیهم‌السلام برخورد می‌کردند، برخورد کنیم. با آنها ملاطفت داشته باشیم. سبّ ائمهٔ آنها در علن جایز نیست و باید با آنها رفت‌وآمد کنید. اصلاً برخورد منفی در رابطهٔ با تشیع نباید داشت؛ یعنی ما برای اینکه تشیع را ترویج کنیم، نباید دیگران را مثلاً از طریق سلب قدسیت از دیگران یا بیان مسائل منفی نسبت به ائمهٔ دیگران عمل کنیم. شما از راه مثبت تشیع را ترویج کنید. ائمهٔ هدی علیهم‌السلام را معرفی کنید؛ روایات آنها را به گوش مردم برسانید. مردم با ائمهٔ هدی، با معارفشان آشنا بشوند، خودشون شیعه می‌شوند. نیاز نیست که ما کسی را به تشیع دعوت کنیم».

مطالب زیادی از این دست فرمودند و کراراً هم تأکید بر وجوب حفظ نظام داشتند و اینکه این وظیفهٔ شرعی است؛ البته نه در آن جلسه، در جلسات دیگری که ما خدمتشون رسیدیم. به هر حال، البته ما به‌وسیلهٔ آقا مصطفی که همه مطالب را خیلی دقیق یادداشت کرده بودند، آن‌ها را منتشر کردیم؛ هرچند بعداً از طرف دفترشون گفتند که هر مطلبی که به ایشان نسبت داده می‌شود باید از طرف سایت بیاید و الا معتبر نیست! به هر صورت این جریانی بود که ما با ایشان داشتیم. البته خیلی ایشان نسبت به ما محبت داشتند. شاید قریب به ۱۷ سال خدمتشون بودیم.

***

مرور و تکمیل بحث پیشین

بحث اصول فقه به استدلال به آیهٔ کریمهٔ ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا﴾ رسیده بود. بیان شد که در رابطهٔ با این آیه در دو بخش باید بحث شود؛ یکی بخش مربوط به عقد المستثنی، یکی مربوط به عقد المستثنی‌منه.

در رابطهٔ با عقد المستثنی‌منه بحث شد که در ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا﴾، این ﴿لَا يُكَلِّفُ﴾ به چه معنایی است؟ هم بیان لغویین را بیان گردید و هم بیان مفسرین و اجمالاً هم اهل لغت و هم اهل تفسیر، «کُلفت» یا «تکلیف» را به معنای «حمل علی ما فیه مشقة» دانسته‌اند، یا «امر به ما فیه مشقة» و اهل لغت«کلفه» را هم به معنای مشقت تفسیر کرده‌اند.

کلامی هم از مرحوم طبرسی‌ﷺ نقل شد در تفسیر آیه، که این کلام همان کلامی است که مرحوم شیخ طوسی‌ﷺ در تفسیر تبیان دارند. در تفسیر تبیان، مرحوم شیخ در تفسیر این آیه می‌فرمایند عبارتی عین عبارت مرحوم طبرسی دارند. بسیاری از مطالب مجمع‌البیان مرحوم طبرسی، رونویسی است از تبیان شیخ طوسی است با اضافاتی که می‌فرماید و لذا همان عبارت مرحوم شیخ را مرحوم طبرسی نقل می‌کند. عبارت شیخ این است، می‌فرماید: «والمعنى: ومن كان رزقه بمقدار القوت، فلينفق على قدر ذلك وعلى حسب إمكانه وطاقته» ﴿وَلَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا﴾. أي إلا بقدر ما أعطاها من الطاقة. وفي هذا دلالة على أنه سبحانه، لا يكلف أحدا ما لا يقدر عليه، وما لا يطيقه»[1]. این عبارت مرحوم طوسی است در تبیان؛ همین عبارت را هم مرحوم طبرسی در مجمع‌البیان تقریباً همین عبارت را دارد.

فخر رازی هم در تفسیر همین آیه، معنای قریب به همین معنا دارد که می‌گوید در تفسیر ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا﴾: «أي ما أعطاها من الرزق»[2] که «ما اعطاه من الرزق» یعنی «اقدره» از نظر مالی.

بحث در عقد مستثنی‌منه به پایان رسید که اجمالاً معلوم شد که ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا﴾ یعنی «لا یحمل الله نفساً علی ما فیه مشقة الا بقدر الطاقة التی آتاها ایاها». ایتاء، در اینجا به معنای ایتاء طاقت است.

بررسی عقد مستثنی: ﴿إِلَّا مَا آتَاهَا﴾

اما دربارهٔ عقد مستثنی، یعنی عبارت ﴿إِلَّا مَا آتَاهَا﴾ ، نیز دو بحث مطرح است: یکی آنکه مراد از «ایتاء» چیست؟ و دیگر آنکه مراد از «موصول» (ما) چیست؟ در حقیقت، ﴿مَا آتَاهَا﴾ چه معنایی دارد؛ «مَا»ی موصوله به چه معناست و «آتَاهَا» چه مفهومی را افاده می‌کند؟

ابتدا پیرامون صله یعنی «آتَاهَا» بحث می‌شود، زیرا صله معنای موصول را تعیین می‌کند. در معنای «ایتاء» دو احتمال اصلی وجود دارد:

۱. احتمال نخست آن است که این ایتاء، «ایتاء تکوینی» باشد؛ یعنی به معنای اقدار، طاقت دادن و تمکین باشد.

۲. احتمال دوم آن است که ایتاء به معنای «ایتاء تشریعی» باشد.

---

۱. **مجمع البیان**؛ ج ۱۰، ص ۴۸.

۲. **تفسیر الرازی**؛ ج ۳۰، ص ۳۷.

چنانچه قرار باشد برای اثبات برائت شرعیه به این آیهٔ شریفه استدلال شود، ناگزیر باید این ایتاء را «ایتاء تشریعی» دانست؛ به این معنا که «آتَاهَا» به معنای «بیّن لها» و «اعلمها» باشد.

پرسشگر: ...

استاد: اگر قرینه‌ای در کار نبود، بله [می‌شد چنین گفت]؛ اما در اینجا قرینهٔ روشنی وجود دارد که دلالت می‌کند این ایتاء نمی‌تواند ایتاء تشریعی باشد. ایتاء در اینجا ایتاء تکوینی است و این مطلب بسیار روشن و بیّن است.

پرسشگر: ...

استاد: خیر، تعلیل نیست... اگر این‌گونه باشد، شما همه چیز را می‌توانید علت برای همه چیز قرار دهید.

پرسشگر: ...

استاد: آن که بدتر است! اگر بخواهیم به ماقبل ارجاع دهیم که اکنون بیان می‌شود؛ اصلاً سیاق، همگی سیاق ایتاء تکوینی است و به هیچ وجه از سیاق، ایتاء تشریعی به دست نمی‌آید. چنانچه به سیاق آیه ارجاع داده شود ـکه اکنون روشن خواهد شدـ سراسر سیاق آیه، سیاق ایتاء تکوینی است، نه ایتاء تشریعی. حمل یک کلام بر علت، نیازمند دلیل است و باید قرینه‌ای دال بر اینکه کلام در مقام تعلیل است، وجود داشته باشد. بله، آیه در مقام بیان حکمت یا سنت‌های الهی است. سنت الهی این است که تکلیف نمی‌کند، یعنی بار نمی‌کند بر دوش کسی آنچه را که نمی‌تواند؛ و اگر باری بر دوش او بگذارد، در حدی که می‌تواند بار می‌کند. بنابراین، در عقد مستثنی که ﴿مَا آتَاهَا﴾ است، دو بحث وجود دارد: نخست دربارهٔ صله یعنی «آتَاهَا» بحث می‌شود که به چه معناست و پس از آن بررسی می‌شود که «مَا» به چه معناست. همان‌گونه که بیان شد، در «ایتاء» دو نظر یا دو احتمال وجود دارد: یکی اینکه ایتاء تکوینی باشد و دیگری اینکه ایتاء تشریعی باشد.

قرائن زیادی ـحداقل چهار قرینه یا چهار مؤید و شاهدـ وجود دارد که تأیید می‌کند ایتاء در اینجا ایتاء تکوینی است، نه ایتاء تشریعی.

شاهد اول: سیاق آیه

قرینهٔ اول یا شاهد نخست بر اینکه ایتاء در اینجا ایتاء تکوینی است، «سیاق آیه» می‌باشد. سیاق آیه، سیاق ایتاء تکوینی است؛ زیرا پیش از این فراز آمده است: ﴿وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ﴾ و پس از آن می‌فرماید: ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا﴾. پیش از این نیز می‌فرماید: ﴿لِيُنْفِقْ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ﴾ و در ادامه می‌فرماید: ﴿وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ﴾.

در عبارت ﴿لِيُنْفِقْ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ﴾، «سعه» در اینجا سعهٔ تکوینیه است، یعنی به معنای قدرت، سعه و وسع است. «وسع» به معنای قدرت، امکان، تمکن و مکنت است. سپس در مقابل «ذُو سَعَةٍ» چه کسی قرار دارد؟ ﴿وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ﴾. این ﴿مَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ﴾ در مقابل همان «ذُو سَعَةٍ» است. ﴿لِيُنْفِقْ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ﴾، اما آن کسی که ذوسعه نیست یعنی چه؟ یعنی «قُدِرَ علیه»؛ ﴿وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ﴾.

در اینجا نکته‌ای پیرامون واژهٔ «قَدَرَ» وجود دارد که بیان آن در میان پرانتز بسیار لازم است؛ زیرا مشاهده می‌شود که اشتباهات فراوانی در معنای «قَدَرَ» ـقدری که به این معنا و در چنین مواردی می‌آید، مانند قدر رزقـ رخ می‌دهد. برای

نمونه در آیهٔ کریمهٔ سورهٔ فجر می‌فرماید: ﴿فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ * وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ﴾[1]؛ یا در آیهٔ دیگر: ﴿اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ﴾[2]. این فعل «قَدَرَ» گاهی به صورت «قَدَرَ لَهُ» و گاهی به صورت «قَدَرَ عَلَيْهِ» به کار می‌رود. پیش‌تر نیز بیان شده است که در زبان عربی، حروف کارکرد بسیار مهمی دارند و اگر به معنای حرف توجه نشود، ممکن است معنای یک جمله به کلی تغییر کند: اگر گفته شود «قَدَرَ لَهُ»، یعنی برای او اندازه‌گیری کرد و به اندازه به او می‌دهد. «قدر له» در اینجا به معنای ضیق و تنگی نیست. اگر گفته شود «قَدَرَ عَلَيْهِ»، در اینجا به معنای تنگی و ضیق است. بنابراین میان «قدر له» و «قدر علیه» تفاوت وجود دارد. حتی در جایی که «يَقْدِرُ» بدون «له» یا «علیه» می‌آید نیز به معنای اندازه‌گیری است، نه به معنای تنگی. برخی از مفسران و مترجمان هر جا واژهٔ «یقدر» آمده، آن را به معنای تنگی گرفته‌اند، درحالیکه چنین نیست. در آیهٔ ﴿يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ﴾[3]، «یقدر» به چه معناست؟ برخی آن را این‌گونه تفسیر کرده‌اند که «یبسط» یعنی گسترش می‌دهد و «یقدر» یعنی تنگ می‌کند؛ درحالیکه چنین نیست، بلکه در اینجا «یقدر» یعنی خداوند بسط رزق دارد، اما به اندازه. پس در اینجا مقصود اندازه است، نه تنگی.

به طور خلاصه، فعل «یقدر» یا «قدر» سه حالت دارد:

۱. اگر به تنهایی و بدون «علی» و «لام» بیاید، به معنای همان تقدیر و اندازه‌گیری است.

۲. اگر با «لَهُ» بیاید، به معنای اندازه‌گیری به نفع اوست؛ یعنی به نفع اوست که اندازه‌گیری داشته باشد و خداوند به اندازه به او بدهد؛ زیرا اگر خداوند بی‌اندازه به او بدهد، دچار کفر و طغیان می‌شود.

۳. اگر به صورت «یقدر عَلَيْهِ» گفته شود، به معنای آن است که بر او تنگ می‌گیرد؛ این مورد به معنای تنگی است.

پرسشگر: ...

استاد: در این آیهٔ شریفه، ﴿يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ﴾، واژهٔ «یقدر» به قرینهٔ سیاق و آیات قبل و بعد [چنین معنایی می‌دهد]. در سایر آیات نیز وضعیت به همین صورت است و می‌توان با تتبع در آیات کریمهٔ قرآن مشاهده کرد که هرگاه «یقدر» به تنهایی می‌آید، به معنای همان «قدر» یعنی تقدیر است؛ و تنها زمانی که با حرف «علی» همراه شود، به معنای ضیق و تنگی خواهد بود. خود واژهٔ «قدر» و «یقدر» به معنای تقدیر، اندازه‌گیری و به اندازه بودن است. چنان‌که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ﴾[4]؛ این یک قانون الهی است که هر چیزی اندازه‌ای دارد. یا می‌فرماید: ﴿وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ﴾[5]؛ یعنی آب را به اندازه نازل می‌کنیم، لذا انسان‌ها باید بر اساس حساب و کتاب عمل کنند، زیرا اگر اسراف کنند، همین آب از آنها گرفته می‌شود و نظم جهان برهم می‌خورد. مقصود آن است که هر چیزی دارای قاعده، اندازه، نظام و

---

۱. سورهٔ فجر: ۱۵ و ۱۶.

۲. سورهٔ رعد: ۲۶.

۳. سورهٔ عنکبوت: ۶۲.

۴. سورهٔ قمر: ۴۹.

۵. سورهٔ مؤمنون: ۱۸.

نظم مخصوص به خود است. به هر حال، سیاق آیه روشن می‌سازد که مراد از «ایتاء» در اینجا، ایتاء تکوینی است، نه ایتاء تشریعی. این شاهد اول بود.

شاهد دوم: روایت محمدبن‌سنان

قرینهٔ دوم یا شاهد دوم، روایت محمدبن‌سنان است. البته این روایت صحیحه می‌دانیم؛ زیرا سایر راویان موجود در سند این روایت ثقه هستند و هرچند دربارهٔ محمدبن‌سنان اختلاف وجود دارد، لکن قول اقوی ـو بلکه بسیار اقوی که نزدیک به قطع است‌ـ این است که محمدبن‌سنان ثقه است و آنچه دربارهٔ تشکیک در وثاقت او گفته‌اند، ظاهراً صحیح نیست. بنابراین روایت از نظر ما صحیحه است.

محمدبن‌سنان از حضرت ابی‌الحسن علیه‌السلام (امام کاظم علیه‌السلام) دربارهٔ قول خداوند عزوجل: ﴿**وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا**﴾[1] ـکه بخشی از آیهٔ شریفهٔ ﴿**وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا**﴾ است‌ـ روایت می‌کند که حضرت در تفسیر واژهٔ «قوام» فرمودند: «الْقَوَامُ هُوَ الْمَعْرُوفُ». سپس حضرت به این آیه استشهاد می‌فرمایند: ﴿**عَلَى الْمُوسِعِ قَدَرُهُ وَعَلَى الْمُقْتِرِ قَدَرُهُ مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ**﴾[2]. این آیه دربارهٔ بخشیدن مال (متاع) به زوجهٔ مطلقه است؛ چنان‌که در آیهٔ دیگر نیز آمده است: ﴿**وَلِلْمُطَلَّقَاتِ مَتَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ**﴾[3]. یعنی هنگامی که زن را طلاق می‌دهید، متاعی به او ببخشید. حال میزان این متاع برای زن مطلقه چیست؟ ﴿**عَلَى الْمُوسِعِ قَدَرُهُ وَعَلَى الْمُقْتِرِ قَدَرُهُ**﴾؛ آن کسی که تمکن مالی دارد، بیشتر ببخشد و به نحو «معروف» بدهد. نکتهٔ «معروف» در اینجا آن است که با حسن نیت و ارادهٔ خیر ببخشد؛ اگر ثروت دارد، مبلغ بیشتری به زنی که طلاق داده و رها می‌کند بپردازد، و اگر ندارد، به اندازهٔ توان خود ببخشد.

حضرت فرموده‌اند که «قوام» در اینجا همان «معروف» است؛ یعنی در آیهٔ ﴿**وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا**﴾، حد وسط میان اسراف و اقتار (سخت‌گیری)، همان «قوام» است؛ یعنی هزینه‌ای که در عرف مردم بجا و پسندیده محسوب می‌شود.

پرسشگر: ...

استاد: معروفی که برای فرد مقتر (تنگدست) پسندیده است با معروفی که برای شخص ثروتمند پسندیده است، تفاوت دارد. برای مثال، اگر شخص ثروتمندی همسرش را که مدتی با او زندگی کرده طلاق دهد و تنها صد هزار تومان در اختیار او بگذارد، این کار ناپسند است؛ بلکه چون دارایی دارد، باید مثلاً صد میلیون تومان به او بدهد تا بتواند تا مدتی خود را اداره کند.

مقصود اصلی در جملهٔ بعدی روایت است که حضرت در ادامه می‌فرمایند: «عَلَى قَدْرِ عِيَالِهِ وَ مَئُونَتِهِمُ الَّتِي هِيَ صَلَاحٌ لَهُ وَ لَهُمْ»[4]. بنابراین «قوام» یعنی همان معروفی که در اینجا بیان شده است؛ یعنی انسان باید به اندازهٔ عیال خود هزینه کند و

---

۱. سورهٔ فرقان: ۶۷.

۲. سورهٔ بقره: ۲۳۶.

۳. همان: ۲۴۱.

٤. **الکافی**؛ ج ۴، ص ۵۶.

مؤونهٔ آنها را به مقداری بپردازد که به صلاح حال خودش و آنها باشد و این همان «قوام» است. سپس حضرت بلافاصله به این آیه استشهاد کرده و می‌فرمایند: ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا﴾. شاهد بحث در این روایت، همین استشهاد حضرت است که در مقام بیان طاقت و تمکن تکوینی است، نه ایتاء به معنای اعلام و بیان [تشریعی]. پس این روایت که در کتاب **الکافی** نقل شده، شاهد دوم بر این است که ایتاء در آیه، ایتاء تکوینی است.

شاهد سوم و چهارم: کلام مفسران و معنای عقد مستثنی‌منه

شاهد سوم، تفسیر مفسران است که عبارت ﴿مَا آتَاهَا﴾ و معنای ایتاء را در این آیه به «تمکین» تفسیر کرده‌اند.

اما شاهد و مؤید چهارم، همان مطلبی است که پیش‌تر بیان شد؛ یعنی مراد از عقد مستثنی‌منه در ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ﴾، حمل کردن بر «ما فیه مشقة» است و مقصود از مشقت در اینجا، مشقت به معنای تکوینی است. هم مفسران و هم اهل لغت، عبارت ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ﴾ را به معنای «لایحمل الله عبداً علی ما فیه مشقة» یا «لا یحمله الا علی ما لا مشقة له فیه» دانسته‌اند؛ یعنی اگر خداوند بنده‌ای را به کاری که دارای مشقت است وادار کند، تنها به اندازهٔ طاقتش او را بر آن کار حمل می‌کند، نه بیش از اندازهٔ طاقت او. همان‌گونه که اشاره شد، این مطلب از مسائل روشن و تقریباً متفق‌علیه میان مفسران است و لغت نیز همین معنا را تأیید می‌کند.

بر این اساس، این چهار شاهد مؤید این مطلب هستند که «ایتاء» در عقد مستثنی (﴿مَا آتَاهَا﴾ یعنی صله)، به معنای «ایتاء تکوینی» است، نه «ایتاء تشریعی» که به معنای اعلام و بیان و امثال اینها باشد. بنابراین تا این مرحله از بحث روشن گردید که این آیهٔ شریفه هیچ ارتباطی با مبحث برائت شرعیه ندارد. ادامهٔ بحث ان‌شاءالله در جلسهٔ آینده پیگیری خواهد شد.

و صلّی الله علی محمد و آله الطّاهرین

مؤسسه حفظ و نشر آثار آیت‌الله اراکی